

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فبشر عباد الذين يستمعون القول
فيتبعون احسنه ، او لئلك الذين هدا هم
الله واولئك هم اولوا لالباب
(قرآن کریم.سوره زمر)

کتابخانه عمومی بیتنا قم

تاثیر پر تو روح اسلامی؟!؟

«خوددوستی» و «بهارت دیگر خودخواهی» ، غریزی و فطری بشر است که در اثر آن ، خود و هر که و هر چه را که با او بستگی داشته باشد ؛ دوست میدارد ، کردار و رفتار خود را پسندیده و بسا میشود که راه افراط را پیموده ، زشتیهای خود را زیبا و بدیهای خویش را خوب می بیند .

روی همین غریزه «خوددوستی» است که هر يك از اقوام و ملل جهان به آثار باستانی و یادگارهای نیاکان خود که نبوغ علمی و فکری و ذوق صنعتی و هنری آنان را میرساند ، مفاخره نموده و در مقام حفاظت و نگهداری آنها بر می آیند . دین مقدس اسلام که آخرین مکتب هدایت و کاملترین برنامه تربیت روحی و اخلاقی ، عقلی و فکری بشر میباشد و تمام شئون زندگی انسان. هارا در نظر گرفته است ، این جهت را نیز نادیده نگرفته و درباره آن نظر بسیار عالی و باارزشی دارد .

میفرماید : طوبی لمن شغلته عیوب نفسه عن عیوب غیره «خوشحال کسی که عیبها و بدیهای خودش او را مشغول ساخته و بمیوب دیگران نپردازد»

اسلام خود دوستی ، بمعنی صحیح را در این دانسته است که آدمی زشتیها و بدیهای کردار و رفتار خود را بررسی نموده و در مقام اصلاح و شایستگی آنها بر آید ، و از مردمی که خود دوستی ، را به خود گامی تفسیر نموده و یا بدیهای خود را از نظر دور داشته و به عیبجوئی دیگران می پردازند ، سخت بیزاری جسته است .

اسلام ، نظر به آثار نیاکان و مفاخر قومی و ملی داشتن و بحساب آوردن آنها را تا آن حدی تجویز نموده که مؤثر در رشد و کمال نسل حاضر بوده و احساسات فرزندان را در راه پیروی از اعمال و آثار نیک پدران تحریک نموده و نیروهای آنها را در این باره تقویت نماید .

لذا دستور داده است که سیر در تاریخ و سرگذشت آنان نموده و پیشینه های بد و ناروای آنان را که سبب بدبختی و هلاکشان شده است نیز مایه عبرت قرار داده و از آنها دوری گزینند .

کتابخانه مدرسه لطیفه نم

اسلام و تفاخر با امتیازات

میتوان گفت ، اسلام بطور کلی مفاخره و بخود بالیدن را مذهب دانسته است خصوصاً اگر در باره موضوعات پست مادی و دنیوی و بالاخص هر گاه نسبت با آثار و یادگارهای نیاکان و گذشتگان صورت گیرد ، و همه امتیازات شخصی و طبقاتی ، نوعی و صنفی ؛ ملی و قومی مانند : زبان ، نژاد ، نسب ؛ قبیله ؛ مقام و ثروت را الفاء نموده و بجای همه آنها ، ایمان و تقوی و علم و عمل را مایه فضیلت و برتری دانسته ، ولی مع الوصف مفاخره با آنها را هم اجازه نداده و آن را بنام عجب و خود پسندی نهی نموده است .

قرآن کریم با خطاب بجامعه بشری میفرماید : یا ایها الناس انما خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ، ان اکرمکم عندالله اتقاکم ...

و ای گروه انسانها ، ما همه شما را از یک مرد و یک زن (آدم و حواء) آفریده ایم و شما را طائفه ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (و حقوق و حدود یکدیگر را رعایت کنید) بدرستی که گرامی تر و ارجمندتر شما نزد خداوند ، پرهیز کارتر شما میباشد ... ، (سوره حجرات- آیه ۱۳)

پنجمین بزرگوار اسلام با کمال صراحت فرموده : **لا فضل لعربی علی**

عجمی الا بالتقوی (۱)

« فضیلتی برای عرب بر عجم (و نوادای بر نوادای دیگر) نیست مگر بسبب پرهیزکاری »

تا آنجائیکه افرادی از غیر عرب مانند سلمان فارسی، بلال حبشی، صهیب رومی و غیر آنها را در اثر ایمان محکمتر و تقوای بیشتر و برتری در علم و عمل بر دیگران از عرب و قریش مقدم داشته و در باره سلمان فارسی که گوی سبقت را در این میدان از دیگران ربوده بود جمله معروف : **السلمان منا اهل البیت را** اظهار داشته است .

و در دیوان منسوب بامیر المؤمنین علی علیه السلام است که فرماید :

ان الفتی من یقول:ها اناذا لیس الفتی من یقول:کان ابی

« جوان مرد حقیقی کسی است که بگوید : این منم (و بارفتار و کردارش خود را معرفی نماید) ، و کسیکه بگوید : پدر من چنین و چنان بود (و معاخره پدران نماید) جوان مرد نیست .

بطور خلاصه ، نظر اسلام در باره يك جامعه اسلامی که حقاً تربیت شده مکتب اسلام بوده و روح اسلامی در گالبد اجتماع آن پرتو افکن باشد ، این است که به استخوانهای پوسیده و آثار از میان رفته و یادگارهای زیر خاک پنهان شده نیاکان خود نبایده و بآنها افتخار ننماید و افتخار خود را منحصر در فضایل نفسانی و کمالات روحی و اخلاقی و نظامات اجتماعی حاضر و موجود خود نموده آنها را بحساب آورد .

هدف بحث

منظور ما از این بحث ، عطف ببحث شماره گذشته « نه شرق و نه غرب ، بلکه اسلام » این است که يك جامعه اسلامی ، همانگونه که نباید به شرق و غرب و راست و چپ متمایل شده و کور کورانه و چشم بسته از آنان تقلید نماید ؛ علاوه ، نمیتواند تنها به سنن ملی و قومی و امتیازات نژادی و طایفگی خود نیز مفاخره نموده و شالوده استقلال ملی و شخصیت جهانی خود را بر آن پایه بنا گذارد ، بلکه

باید اصول عقاید دینی و آداب و سنن مذهبی و دستورات و مقررات اسلامی خود را هم در نظر گرفته و شالوده اجتماع و ملیت و قومیت خود را بر آن پایه محکم استوار دارد .

روی این اصل است که سازمانهای مقننه و قوای مجریه و دستگاه حاکمه کشورهای اسلامی نمیتوانند بدون توجه بمبادهی دینی و مذهبی ، هر قانونی را وضع نموده و یا هر گونه آنرا اجراء کرده و بطور دلخواه حکومت وفرمانروایی کنند . جامعه های اسلامی نمیتوانند ، مظاهر فریبنده تمدن و تجدد غرب و شرق (منهای دین و مذهب) را در نظر گرفته و چهار اسبه رو بآنها تاخته از آنها استقبال نمایند .

کارگردانان و منصفان امور جوامع اسلامی اگر حقا مسلمان باشند باید در نظر بگیرند که اسلام نیز دارای شعائر و سنن و آداب و مقرراتی است که باید از آنها احترام شده و حدود آنها مراعات گردد ، تا عظمت و حقانیت این دین خدائی ظاهر شود .

باید بدانند : اسلام دارای فریضه نماز است که ستون دین شمرده شده است نمازی که برپاداشتن آن باید جلوفحشاء و منکرات را گرفته و جامعه مسلمان را از گرداب شهوت پرستی و منجلاب هوس رانی بیرون کشیده و بمقامات عالیه و مدارج کامله آدمیت و انسانیت (که از مقام فرشتگان برتر است) برساند .

اسلام ، مسجد دارد که باید شخص مسلمان هر صبح و شام با پاکی بدن و لباس و نیت در آن داخل شده و باروحی با صفا و جانی روشن از آن خارج شود .

اسلام ، ماه رمضان و بر نامه روزه دارد که باید مسلمانان باروایت هلال این ماه شریف ، آماده یک ریاضت بدنی و تربیت روحی شده و خود را از آلودگیها پاکیزه نموده و با دلی آرام و جانی سالم و عزمی استوار ؛ و اراده ای محکم از آن بیرون روند .

اسلام ، دستور زکوة و انفاق مالی دارد که باید مسلمانان بوسیله آن عواطف بشری و احساسات انسانی خود را نیرومند ساخته و بی نوایان و شکستگان اجتماع را در مال خود سهیم قرار داده سازمانهای دینی و بهداشتی و فرهنگی عمومی را طبق مقررات اسلامی مأمور داشته و

تقویت نمایند .

اسلام سفر حج و مسافرتهای مذهبی دارد که مصالح و منافع بیشمار مادی و معنوی ، جسمی و روحی ، تفریحی و اقتصادی مسلمانان در آن منظور گردیده است .

اسلام ، جهاد دارد ، امر بمعروف و نهی از منکر دارد ، تا بوسیله آنها حدود اسلامی و مرزهای دینی و آداب مذهبی از تجاوز بیگانگان و نابخردان و نابکاران و هووی پرستان محفوظ مانده و حریم مقدس دینت از دستبرد دشمنان دانا و دوستان نادان در امان باشد .

اسلام ، کتاب دینی (قرآن کریم) دارد که پیران خود را بهمراههای سلامتی جسمی و روحی هدایت نموده و از هر گونه تاریکی و بدبختی رهایی بخشیده و نیر و مندترین و استوارترین شالوده ها و بنیانهای اجتماعی زندگی را برای آنان تهیه میکند .

ضد و نقیض !

ارمغانهای اسلام و پیشنهادات حکیمانه و مقررات خردمندانه این دین حق خدائی بشمارد زیرا باید ولی در اینجا ما را سؤال و پرسشی است ؟

ما میگوئیم: آیا دینی که فریضه نماز با اینهمه آداب و مقررات دارد ، با اینهمه بی بندوباری و شهوت رانی ، با اینهمه رسوائی و بی حیائی ، با اینهمه رقاصی و نوازندگی که امروز در جامعه های (بنام مسلمان) رواج یافته است سازگار است ؟

آیا دینی که بر نامه مسجد رفتن و در محافل دینی و مذهبی حاضر شدن دارد ، با اینهمه مجالس عیاشی و محافل شیطانی ، اینهمه سینما و تئاتر اینهمه بارو کا باره ، اینهمه پارتنی و تماشاخانه ، اینهمه مراکز فسق و فجور زنانه و مردانه بناهای مختلف و عنوانهای گوناگون که دامنگیر جوانان ماشده و سالخوردهگان نیز از آنها بی بهره نیستند ؛ سازش دارد ؟

آیا دینی که بر نامه روزه و خودداری از مشتهیات حلال و مباح دارد ، با اینهمه شهوت رانی و هیگساری ، زن پرستی و هوس رانیها که جسم و جان همه را بیمار دارد میسازد ؟ .

آیا دینی که دستور زکوة و انفاقات مالی دارد ، با اینهمه اسراف و تبذیر و هد پرستی و تجمل دوستی و افراط در شهوات جور در می آید ؟ و آیا با این اندازه تقلید و هوسرانی و گسترش دامنه زندگی مادی و دنیوی ،

باز عاقلانه‌ای باقی میماند و یا مجالی برای کمک به مستمندان و بی‌نویان بدست میآید؟
 آیا دینی که سفر حج و مسافرت‌های دینی را برای دیدار مراکز
 اسلامی و مواقف ایمانی با آن‌همه تأکید و اهمیت دستور میدهد، با سفرهای پره
 خرج و بیهوده و هوس آمیز شمال و جنوب، خارج و داخل، اروپا و آمریکا
 موافقت نموده و بآسانی آن‌ها را تجویز مینماید؟

آیا دینی که بر نامه دفاعی بنام جهاد؛ و سازمان نظارت عمومی
 بنام امر بمعروف و نهی از منکر دارد؛ به اینگونه آزادی و افسار-
 گسیختگی بیگانگان و ناپسندان، دشمنان داخلی و خارجی اسلام رضایت
 میدهد که با کمال بی‌پروایی و بی‌حیائی این اندازه دامن تبلیغات مسموم خود
 را گسترش داده و حدود و مقررات اسلامی را برهم زده بنوامیس
 دینی مسلمانان تمدنی و تجاوز نمایند و مسلمانان دم نزنند و لب فرو بندند؟
 آیا دینی که قرآن کریم و معارف اسلامی و نشریات مذهبی دارد و
 مسلمانان را امر بمطالعه آن‌ها نموده و خریدن و خواندن نوشته‌جات گمراه کننده
 را حرام کرده، با اینهمه مطبوعات معلوم الحال امروز که ویران کننده ایمان
 و تباہ سازنده اخلاق و پر باد دهنده فضیلت و شرف و دعوت کننده بفساد و بی-
 عفتی و ناپاکی میباشد سازگار است؟ و آیا برای دختران مسلمانی که خواندن سوره
 یوسف از قرآن نهی شده است، خواندن اینهمه داستان‌های عشقی و شهوت آمیز
 مباح است؟ آیا... و آیا..

از اینگونه پرسش‌ها بسیار و از این نمونه‌ها سازگاریم ایمان اوضاع اجتماعی
 ما و روح اسلامی بیشمار است که ما از آن‌ها صرف نظر میکنیم. و پاسخ همه آن‌ها را
 بر عهده زمامداران امور و متصدیان معاملات و گردانندگان چرخهای زندگی
 مردم که همه این ضد و نقیض‌ها را می‌بینند و همه این اوضاع را مستقیم یا غیر مستقیم
 بوجود آورده‌اند و باز هم دان مسلمانان زده و خود را طرفدار اسلام معرفی
 مینمایند و امیدواریم و از شما خوانندگان عزیز در این ماه شریف تقاضای تجدید
 نظر و تامل بیشتری را در برنامه دینی و نقشه زندگی خود مینمائیم.

اللهم اننا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله

ابوالقاسم دانش‌شناسی

کتابخانه مسجد اعظم